

بهار و بهار

تمام وسایلش را جمع کرده بود و کاروان را مهیا که مبادا مجبور شود به دل کندن، دل کندن از خانه و زندگی‌اش در کوفه برای یاری حسین علیه السلام، برای همین هم تا شنید که حسین راهی کوفه شده، زندگی‌اش را بار شترها و اسب‌ها کرد که تا می‌تواند دور شود، نمی‌خواست چشم در چشم

حسین شود، تاب و توان یاری سیدالشهدا را نداشت، پا به فرار گذاشت ولی در منزلی به نام قصر بنی مقاتل

یا «قطقطانیه» در نزدیکی کربلا خیمه‌هایش به خیمه‌گاه امام نزدیک شد، استرس در وجودش بیداد می‌کرد. از

مواجهه با امام و یاری دادن امام ترس داشت امام از دور خیمه‌ایی را دیدند و از نام صاحبش سوال پرسیدند که

اصحاب گفتند برای عبیدالله بن حر جعفری است. در همان وقت امام کسی را به سوی او فرستادند. آن فرد عبیدالله را

برای یاری امام دعوت کرد ولی او بهانه آورد و گفت: من از ترس آمدن حسین علیه السلام از کوفه بیرون زدم چون می‌ترسم

که نتوانم یاریش کنم. به هر ترتیبی بود به فرستاده‌ی امام جواب رد داد و او را به سوی امام بدرقه کرد و آب خوشی از گلو پایین داد

پس از آن امام خود به شخصه سمت خیمه‌ی عبیدالله رفتند، ابتدا خدا را سپاس گفتند و بعد ادامه دادند: ای مرد، گذشته‌ات به خطا

تلف شده و خداوند بابت آنها تو را مؤاخذه می‌کند، حالا میل و رغبت نداری در این لحظات با یاری من سوی او بازگردی؟ تا جد من، پیامبر

در روز قیامت تو را شفاعت کند؟ در جواب سیدالشهدا گفت: یابن رسول الله، اگر به یاری شما بیایم همان ابتدا کشته می‌شوم، اما راستش را

بخواهی نفس من به مرگ راضی نیست... اما این اسب من برای شما، به خدا قسم تاکنون هیچ سواری با آن در طلب چیزی نرفته مگر اینکه به آن

رسیده و هیچکس در طلب من نیامده مگر اینکه از او سبقت گرفته و نجات یافته‌ام پسر امیرالمومنین علیه السلام روی خود را از او برگرداندند و فرمودند:

”نه حاجت به تو دارم و نه به اسب تو“ و سپس این آیه از سوره کهف را خواندند ”و ما کنت متخذ المصلین عضدا“؛ ما گمراهان را به یاری خود نمی‌طلبیم

اما از اینجا بگریز و برو! نه با ما باش و نه بر ما! زیرا اگر کسی صدای استغاثه ما را بشنود و اجابت نکند، خداوند او را با صورت در آتش جهنم می‌اندازد

و هلاک می‌شود آنگاه امام به خیمه خود بازگشت اینجای داستان را باید هزار بار برای خودمان مرور کنیم که امام فرمودند: حالا میل و رغبت نداری در این لحظات با

یاری من سوی او بازگردی؟ تا جد من، پیامبر، در روز قیامت تو را شفاعت کند؟ و بعد از مرور این جمله در دلمان بگوییم: این اربعین با پاهایمان، با دلهایمان راهی کربلا

می‌شویم، رو به سوی مهدی فاطمه علیه السلام تا پاک شویم از هرچه بوده ایم و هر کجا که خطا رفته ایم. مبادا که جا بمانیم از یاری امام زماثمان، مبادا زیر لب هایمان

نباشد دعای فرج... اللهم عجل لولیک الفرج